

سناریوی جدید آمریکا برای باز کردن جبهه جدید علیه روسیه در قفقاز

جنگ اوکراین برخلاف اهداف، منافع و چشم‌اندازهای سیاست خارجی آمریکا، ناتو و متحدان اروپایی پیش می‌رود.



به گزارش آران نیوز، در ده ماه گذشته، آمریکایی‌ها با «اهداف تاکتیکی» مبتنی بر شکست، تضعیف یا زمین گیر کردن روسیه، اقدامات متعددی در قالب کمک‌های نظامی – اطلاعاتی، تحرکات سیاسی، دیپلماتیک و بین‌المللی، تحریم اقتصادی و … انجام داده‌اند، اما به نتایج مطلوب و واقعی در این زمینه دست نیافته‌اند.

کاخ سفید تاکنون بالغ بر 100 میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده است که شامل 60 میلیارد دلار کمک‌های نظامی، 27 میلیارد دلار کمک‌های دولتی و 15 میلیارد دلار کمک‌های به اصطلاح بشردوستانه می‌شود. انگلیس با اختصاص بیش از 5 میلیارد دلار کمک نظامی، در رتبه دوم قرار دارد. اتحادیه اروپا، آلمان، لهستان، استونی و کانادا نیز در رتبه‌های بعدی کمک‌تسلیحاتی به اوکراین قرار دارند.

این کمک‌ها در کوتاه مدت برای مقابله با پیشروی روس‌ها در اوکراین و تقویت جبهه این کشور انجام شده است؛ ضمن اینکه در پشت پرده دارای «اهداف راهبردی» بوده و در چهارچوب «حفظ فضای منازعه علیه روسیه» و همچنین «رونق بازارهای تسلیحاتی» قابل ارزیابی است که حتی کشورهای اروپایی را نیز وارد این فضای منازعاتی کرده و طی روندهایی پرهزینه، آن‌ها را در خدمت منافع آمریکا قرار داده است.

اگرچه در ده ماه گذشته خسارات زیادی بر اثر جنگ اوکراین به روسیه وارد شده است، اما آمریکا نتوانسته به اهداف ضدروسی خود در این جنگ دست یابد. ضمن آنکه جنگ اوکراین «چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای» در پیش روی کشورهای اروپایی و ناتو قرار داده است. اظهارات قابل تأمل چند هفته پیش «ینس استولتنبرگ» دبیرکل ناتو، نشان‌دهنده عمق نگرانی اروپایی‌ها از ادامه این جنگ پرهزینه نظامی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی است. استولتنبرگ در سخنانی گفته بود «پیروزی روسیه برای کل ناتو اتفاقی بد خواهد بود، زیرا این اتفاق نه تنها به پوتین بلکه به رهبران تمامیت خواه همچون چین، این پیام را مخابره می‌کند که آن‌ها نیز می‌توانند با استفاده از قدرت نظامی، به اهدافشان دست پیدا کنند».

تلاش برای دستیابی به نتایج راهبردی در جنگ اوکراین و رفع نگرانی‌های موجود باعث شده است تا در یک سناریوی جدید، دولت آمریکا با همراهی ناتو به دنبال «گشودن جبهه جدید علیه روسیه» از طریق گرجستان برآید. با توجه به اطلاعاتی که روسیه در این زمینه ارائه داده است، ناتو و آمریکا در حال تحریک گرجستان برای ایجاد درگیری در اوستیای جنوبی و آبخازیا و در نتیجه درگیر کردن روسیه در قفقاز هستند.

در این باره «دنیس گونچار» رئیس اداره چهارم کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در وزارت خارجه روسیه گفته است، «درخواست‌های تحریک آمیزی از گرجستان برای گشودن جبهه دوم جنگ علیه روسیه از سوی کی‌یف و برخی از کشورهای غربی صورت گرفته است».

البته این مسئله از همان ماه‌های آغازین جنگ در اوکراین وجود داشته است، ولی در هفته‌های اخیر فشارها در این باره روی گرجستان بیشتر شده است. آمریکا درصدد است با درگیر کردن روسیه در آبخازیا و اوستیای جنوبی بخش مهمی از تمرکز روسیه از اوکراین را به سمت درگیری در قفقاز منتقل کند و تا حدود زیادی «موازنه جنگ» را در اوکراین به نفع آمریکا و متحدان اروپایی تغییر دهد، اما با توجه به چالش‌ها و موانع موجود و همچنین ملاحظات که گرجستان در این باره دارد، عملاً تحقق آن به دلایل زیر غیرممکن است:

اولاً، تجربه تحولات سال‌های گذشته تفلیس و مسکو نشان می‌دهد، گرجستان یک جبهه از پیش شکست خورده برای درگیرسازی روسیه در قفقاز است. اوستیا و آبخازیا از زمان فروپاشی شوروی و استقلال گرجستان به صورت خودمختار اداره می‌شوند. گرجستان در سال 2008 با تحریک ناتو تلاش کرد با حمله نظامی این مناطق را به خود ضمیمه کند که با واکنش سخت ارتش روسیه مواجه شد.

درگیری سال 2008 گرجستان با روسیه به تجربه‌ای پرهزینه برای دولت‌مردان تفلیس تبدیل شد تا در این زمینه با وجود ادعاهایی که همچنان در خصوص دو منطقه مذکور دارند، دیگر خود را با مسکو درگیر نکنند.

ثانیاً، برای گرجستان منازعه مجدد بر سر آبخازیا و اوستیا یا هر موضوع دیگری، همراه با تبعات مخرب است که حتی افکار عمومی این کشور نیز از آن دوری می کنند. براساس نظرسنجی ها، 93 درصد مردم گرجستان مخالف سازوکارهای نظامی بر سر اوستیای جنوبی و آبخازیا با روسیه هستند و راه حل های دیپلماتیک را بر هر چیزی ترجیح می دهند. در همین راستا نیز گرجستان، با وجود مخالفت با حمله روسیه به اوکراین، جانب احتیاط و بی طرفی را گرفته و حتی به تحریم های ضدروسی نپیوسته است.

ثالثاً، تجربه جنگ اوکراین و رفتارهای متناقض و دوگانه آمریکا و اروپا در قبال اوکراین و آشکار شدن ابعاد پیدا و پنهان آن، که موجودیت و بقاء یک کشور را به ابزاری برای پیشبرد منافع خود تبدیل کردند، باعث ایجاد یک جو شدید بدبینی در افکار عمومی و حاکمیت گرجستان شده است که در «تله ای خطرناک تر» از آن چه که برای اوکراین تدارک دیده شد، نیفتند.

رابعاً، به فرض شروع درگیری با روسیه، هیچ تضمینی وجود ندارد که گرجستانی ها تن به جنگی بدهند که هیچ گونه تضمینی مبنی بر حمایت تسلیحاتی آمریکا، اروپا و ناتو از آن ها وجود ندارد؛ آن هم جنگی که ابعاد و دامنه آن قطعاً از اوکراین بزرگ تر بوده در نتیجه آثار مخربی هم خواهد داشت. گرجستانی ها به خوبی می دانند که اوکراین امروز برای بازگشت به وضعیت ده ماه پیش، در خوشبینانه ترین حالت به بیش از بیست سال زمان و افزون بر 700 میلیارد دلار منابع مالی نیاز دارد!

آمریکا و متحدان غربی اش برخلاف ادعاها و «ژست های صلح طلبانه ای» که در موضوع اوکراین نشان می دهند و در مواضع اعلامی شان همواره خود را حامی راه حل ها و سازوکارهایی برای توقف جنگ در اوکراین جلوه می دهند، اما در عمل از هر گزینه ای، ولو با احتمال و درصد موفقیت بسیار کم که بتواند فضای جنگ در اوکراین و محیط پیرامونی روسیه را زنده نگه دارد، استقبال می کنند؛ مسئله ای که نه تنها برای گرجستان بلکه برای جامعه جهانی نیز کاملاً محرز شده است. حمید خوش آیند – کارشناس مسائل منطقه